

# بازسازی متون کهن حدیث شیعه:

## روش، تحلیل، نمونه\*

سیدمحمد عمادی حائری

### یک

حدیث(سنت) پس از قرآن، که در عرف مسلمانان «کتاب» نامیده می شود، دومین منبع استخراج عقاید و معارف و استنباط احکام است. در میان مسلمانان، اهل سنت، قول، فعل و تقریر پیامبر(ص) را «حدیث» می دانند و شیعیان افزون بر پیامبر، قول، فعل و تقریر ائمه اطهار(ع) را نیز، به عنوان مفسران اصیل وحی (قرآن) و سنت نبوی (حدیث) پس از پیامبر، حدیث به شمار می آورند. بر خلاف قرآن که اصالت متن آن مورد اتفاق مسلمانان است، وثاقت همگی متونی که به عنوان حدیث نزد مسلمانان وجود دارد، اثبات شده نیست. برای تعیین وثاقت حدیث، علمای مسلمان از دیرباز روش هایی اندیشیده اند که عمدتاً بر اثبات یا نفی وثاقت سلسله روایانی که متن حدیث را روایت کرده اند، مبتنی است. در حقیقت، حدیث نزد مسلمانان از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول نام زنجیره (سلسله) روایانی (از راوی متأخر تا امام یا پیامبر که متن حدیث به او نسبت داده شده) است که متن حدیث را برای یکدیگر نقل کرده اند، و بخش دوم، متن حدیث است. برای اثبات وثاقت حدیث محدثان و فقه های مسلمان امروزه معمولاً همه کوشش خود را به نقد و بررسی سلسله روایان معطوف می کنند. اما در گذشته های دور نزد علمای قدیم شیعی روش دیگری نیز برای اثبات متون حدیثی وجود داشت که بر اعتماد بر اسناد مکتوب و نوشتارهای حدیثی مبتنی بود؛ شیوه ای که اساس نقد حدیث را بر اعتبار منابع مکتوب حدیث و وثاقت آن ها می نهاد، به جای آن که در پی اثبات وثاقت نقل شفاهی متن حدیث باشد.

### دو

می دانیم که از نیمه قرن دوم به بعد، کتابت و تدوین حدیث در میان مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) آغاز شد. در میان شیعیان نیز بسیاری از روایان نخستین حدیث، روایاتی را که از ائمه شیعه یا دیگر روایان می شنیدند به شکل مکتوب درمی آوردند، دفترهایی که از آن ها با عنوان «نسخه»، «جزء»، «کتاب» و مهمتر از همه «اصل» نام برده می شد. این دفترها که برخی از آن ها شکل منظم و موبوب به خود می گرفت، دست مایه ای برای تألیف و تدوین مجموعه های حدیثی بعدی گردید. این گونه بود که بسیاری از احادیث منقول از امامان شیعه از همان آغاز صدور به شکل مکتوب درمی آمد و تنها با نقل شفاهی به روایان نسل های بعد منتقل نمی شد.

ترجیح کتابت بر نقل شفاهی حدیث نیز از زمره اختلافات اساسی محدثان شیعی و محدثان اهل سنت در قرون نخستین هجری به شمار می آمد. در حالی که بیشتر محدثان اهل سنت برای روایت حدیث بدون نقل شفاهی ارزشی قائل نبودند، شیعه به دلایلی نقل مبتنی بر کتابت را نیز معتبر می شمرد.

با توجه به تدوین کتب متعدد حدیث در عصر امامان شیعه(ع) و تأیید و تصدیق آن ها توسط ائمه، گاه این کل یک کتاب بود که مورد تأیید یا رد امامان شیعه و به تبع آنان محدثان شیعی قرار می گرفت. جالب توجه آن جاست که گاه کتاب های یک راوی مطرود مورد پذیرش قرار می گرفته چون روایات آن مورد تأیید بوده است. با توجه به این پیشینه، از اواخر سده دوم، بررسی وثاقت حدیث

در میان محدثان شیعه بیشتر به کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی متون معطوف گشت، یعنی نقد و بررسی متن حدیث بر اساس کتاب و نسخه و نه بر پایه سلسله روایان آن؛ بدین گونه که کدام راوی مؤلف «کتاب» است، «کتاب» او در چه پایه‌ای از اعتبار است، از این «کتاب» چند نسخه (تحریر/ روایت‌های متفاوت) در دست است و طریق (= سلسله سند دستیابی به متن) هر یک کدام است، نسخه‌های (= تحریرهای) کتاب چه تفاوت‌هایی (در تعداد روایات، تنظیم کتاب، اختلافات متن، و ... ) با یکدیگر دارند، و مسائلی از این دست. رونق نگارش کتاب‌های فهرست در میان علمای قدیم شیعی راه، آن گونه که در قرن پنجم نجاشی (م ۴۵۰) به کتب «فهرستات» اشاره می‌کند و شیخ طوسی (م ۴۶۰) از «الفهارس المصنفة» یاد می‌کند، باید در همین راستا ارزیابی کرد.

اما در میان جریانی که بعداً به اهل سنت مشهور شد، نقد حدیث و انتقال آن راهی دیگر پیمود و حوادث جهان اسلام در وثاقت حدیث نزد این دو گرایش اسلامی نیز تأثیر نهاد. محدثان و روایان شیعی به پیروی از امامان خود برای اثر مکتوب در حدیث اعتبار قائل شدند و نقل از اثر مکتوب را - در صورتی که آن اثر مکتوب خود معتبر باشد - در انتقال متن حدیث معتبر دانستند. بی تردید، کتابت احادیث امامان توسط روایان / محدثان شیعه در اعتبار این شیوه انتقال مؤثر بود، همچنان که قلت شیعیان و وضعیت اجتماعی آنان در این باب تأثیر داشت. اما محدثان اهل سنت - هر چند از نیمه قرن دوم به کتابت و

تدوین حدیث روی آورده بودند - برای اثر مکتوب (بدون نقل شفاهی تا راوی اولیه) اعتباری قائل نبودند و بر آن بودند که راوی بعدی حتماً باید حدیث را از راوی پیشین با قرائت یا سماع دریافت کند. اختلاف این دو روش در انتقال حدیث، در بررسی وثاقت حدیث نیز اثر گذاشت و دو شیوه متفاوت در اعتبار و نقد حدیث پدید آورد. شیوه نقد محدثان شیعی که بر اثر مکتوب استوار بود - در کنار نوع نگارشی «رجال» که به بررسی وثاقت روایان حدیث می‌پرداخت - ، به ایجاد نوع نگارشی «فهرست» انجامید که در آن اعتبار آثار مکتوب حدیثی بررسی می‌شد.

#### سه

فهرست‌نگاری آثار مکتوب شیعه، از اواخر قرن سوم رونق گرفت. محدثان امامیه از آن پس، در کنار تدوین کتاب‌های «رجال» - که البته سابقه‌ای کهن‌تر دارد - به تألیف و تدوین کتاب‌های «فهرست» روی آوردند. فهرست‌نگاران در فهرست‌هایشان معمولاً به ذکر سلسله‌های اسناد خود به کتاب‌ها می‌پرداختند و برخی از آنان تنها از کتاب‌هایی که روایت می‌کردند، یاد می‌کردند؛ از این رو این فهرست‌ها را می‌توان به گونه‌ای مأخذنامه آنان در نقل روایات به حساب آورد. منشأ رواج نگارش کتب «فهرست» را باید در مبنای «کتاب‌محور» محدثان قدیم شیعی جست، برخلاف دوره‌های بعد که «راوی» اساس نقد و بررسی متون حدیث شیعی قرار گرفت. نگرش کتاب‌شناسانه محدثان شیعی به آثار مکتوب، به دلایلی

## چهار

کتاب بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه\* که به پیشنهاد مدیران پژوهشکده علوم و معارف دارالحدیث (قم) تألیف و تدوین شده، عهده‌دار معرفی، نقد و بررسی شیوه محدثان قدیم شیعی در وثاقت احادیث است و می‌کوشد با تشریح روش‌های بازسازی متون کهن حدیث شیعه، راه را برای نزدیکی به روش قدیم فقها و محدثان شیعی هموار کند. بدین ترتیب، این کتاب از آن رو که از روش‌های بازسازی متون کهن مفقود و شیوه‌های دست‌یابی به متن اصیل (با راه‌کارهایی مانند: شناخت اختلاف نسخه‌های متن، قرینه‌های جنبی و دیگر راه‌های اثبات متن) سخن می‌گوید به بخش‌هایی از دانش متن‌شناسی تعلق دارد، و از آن رو که به دنبال شناخت روش محدثان قدیم شیعی در اثبات اصالت متون حدیث است، به پاره‌هایی از دانش حدیث که به وثاقت حدیث و تاریخ تدوین متون حدیثی می‌پردازد، تعلق می‌یابد.

بازسازی متون کهن حدیث شیعه از یک مقدمه و سه باب تشکیل شده است.

در مقدمه، مؤلف به اجمال از موضوع کتاب بحث می‌کند و ساختار تألیف را شرح می‌دهد. باب اول با عنوان «متون کهن حدیث شیعه: تاریخچه، روش بازسازی، نقد و تحلیل» شامل شش فصل است، بدین ترتیب:

فصل ۱. اعتبار سنت و مرجعیت اهل بیت

فصل ۲. مکتب کتابت

فصل ۳. تحلیل کتاب‌شناسی روایات و فهرست‌نگاری متون

حدیث: نوع نگرش، رونق و افول، ریشه‌ها و پیامدها

فصل ۴. بازسازی کتاب‌های کهن حدیث شیعه: تحلیل، روش‌ها،

بهره‌ها و دشواری‌ها

فصل ۵. نقدهایی بر بازسازی متون مفقود

فصل ۶. تحلیل کتاب‌شناسی و نکته‌هایی دیگر

در قرون بعد رنگ باخت و جای خود را به نگاه رجالی صرف داد. هرچند نقطه آغازین این تغییر رویکرد را در آرای شیخ طوسی و تأثیرپذیری وی از فضای علمی جهان اسلام در آن زمان دانسته‌اند، اما این تحول در آرای رجالی سیدجمال‌الدین احمدین طاووس حلی (م ۶۷۳) و محقق حلی (م ۶۷۶) به گونه‌ای آشکار نمود یافت.

اندیشه رجالی ابن‌طاووس و محقق حلی، که بر پایه تقسیم راویان به «ثقه» و «ضعیف» و پذیرش حدیث بر مبنای حال راویان آن استوار بود، به دست دو شاگرد پرآوازه آنان، علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶) و ابن‌داوود حلی (۶۴۷ - ۷۰۷)، نهادینه گشت.

با تثبیت این نگرش به وثاقت حدیث، روش محدثان قدیم شیعی نادیده گرفته شد و احوال رجال (توثیق و تضعیف) مبنای قبول و رد حدیث قرار گرفت. هم‌زمان با غلبه این نگرش رجالی، نخستین کاربردهای اصطلاحات درایة الحدیثی نیز در میان علمای امامیه - در آثار احمدین طاووس و علامه حلی - رخ نمود و در ادوار بعدی به تألیف بدایة و شرح آن (الإعیة) به دست شهید ثانی (م ۹۶۵) انجامید.

مهم‌ترین پیامد غلبه نگرش رجالی، در اطلاق اصطلاح «صحیح» بر احادیث نمود یافت. پوشیده نیست که اصطلاح «صحیح» نزد محدثان قدیم شیعه با آنچه در دوره‌های بعد - از قرن هفتم بدین سو - از آن قصد می‌شود به کلی متفاوت است. «صحیح» در نزد محدثان قدیم امامی - مانند کلینی و صدوق - حدیثی بود که به صدور متن آن از معصوم یقین می‌یافتند. بدین گونه، کلینی در کافی و صدوق در فقیه احادیث را از کتاب‌هایی نقل کرده‌اند که مورد اعتماد آنان بوده و روایات آن را از معصوم (ع) می‌دانسته‌اند. از همین روست که گرچه وثاقت برخی از راویان احادیث فقیه ثابت نگردیده، اما صدوق در دیباچه کتاب بر حکم خویش به «صحت» روایات آن تأکید ورزیده، چرا که به گفته خود آنها را از «کتب مورد اعتماد» نقل کرده است. اما با پیدایش مکتب رجالی محقق حلی و شاگردانش در قرن هفتم و چیرگی آن بر حدیث‌شناسی شیعی، اعتبار حدیث یک‌سره بر زنجیره راویان (سلسله سند) حدیث نهاد شد و در پی آن حدیث «صحیح» به روایتی اطلاق گردید که «سندی متصل به معصوم» داشته باشد که همه راویان آن «عادل» و «امامی» باشند؛ نگرشی رجالی که کمابیش تا روزگار ما ادامه یافته است.

در طی این شش فصل، نخست از تفاوت‌های بنیادین تاریخ حدیث شیعه با تاریخ حدیث اهل سنت سخن می‌رود و در ادامه از روش محدثان قدیم شیعی در بررسی و نقد وثاقت احادیث، راه-کارهای بازگشت بدان شیوه، مشکلات و نقدهای وارد بر آن بحث می‌شود. نویسنده سپس از روش‌های بازسازی متون مفقود سخن می‌گوید و در این میان به روش‌ها و تحقیقات خاورشناسان در تاریخ-گذاری متون کهن حدیث و بازسازی آن‌ها نیز می‌پردازد.

باب دوم، متن مکتوب گفتگوی بلندی با آیت الله سیداحمد مددی (مدرس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم) است که در آن نکته‌های ظریف، دقیق و ارزشمندی از کتاب‌شناسی کهن حدیث شیعه بازگو شده است.

باب سوم، حاوی مقاله‌هایی برگزیده در بازسازی متون کهن حدیث - با تأکید بر حدیث شیعه - است. فصل اول باب سوم شامل شش مقاله است که از مفهوم بازسازی متون کهن حدیث و مشکلات آن سخن می‌گوید. فصل دوم این باب در بردارنده مقاله‌هایی است که نمونه‌هایی از تحلیل کتاب‌شناسی حدیث و بازیابی متون کهن مفقود را عرضه می‌کنند. برخی از این مقالات قبلاً در نشریات علمی - پژوهشی منتشر شده و برخی دیگر برای نخستین بار در این مجموعه به چاپ می‌رسد. شماری از مقالات این باب عبارتند از:

- مبانی فهرستی محدثان قدیم شیعه، مهدی خدامیان آرانی؛  
- نگره‌های کتاب‌شناسی در فهرست‌های طوسی و نجاشی، سیدمحمد عمادی حائری؛

- مقایسه روش شناختی دو کتاب‌شناسی کهن در جهان اسلام،

سیدمحمد عمادی حائری؛

- بازیابی فهرست‌های کهن شیعی، مهدی خدامیان آرانی؛  
مروری بر روش‌شناسی بازسازی متون کهن در آثار خاورشناسان، سیدعلی آقایی؛

- مسائل محمدبن مسلم در کافی کلینی، سیدمحمد عمادی حائری؛

- کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی، احسان سرخه ای؛

- نوادر احمدبن محمدبن عیسی یا کتاب حسین بن سعید، سید محمدجواد شبیری؛

- بازیابی متون کهن امامی در آثار شیخ صدوق، محمدکاظم رحمتی؛

- درنگی در منابع مکتوب الايضاح، سیدمحمد عمادی حائری. ■

#### پی‌نوشت:

\* در دست انتشار: تألیف و تدوین: سیدمحمد عمادی حائری، قم، دارالحدیث.

پروژه‌ساز: مرکز مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی